

عرض این فانی خدمت سمندر نار الهی آنکه الحمد لله در هر پوسته از نفحات طیبه آنحضرت شمّ جان معطر...

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاءالله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۴۵۳

محبوب مکرم جناب سمندر علیه بهاء الله الأبهی بلحاظ انور منور فرماید

۱۵۲

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

عرض این فانی خدمت سمندر نار الهی آنکه الحمد لله در هر پوسته از نفحات طیبه آنحضرت شمّ جان معطر و روان در
اهتزاز و منور در اینصورت آنچه ذکر شود البتّه کمست و آنچه نوشته شود البتّه اندک لذا آنحبيب را وکیل مینمایم نزد
آنحبيب که آنچه از شرایط اتحاد و یکرنگی و اعلاء مقام محبت و مودّت و یگانگی است از قول خود از جانب این بنده
بخود بگوئید از بیانات مظهر اسماء و صفات که بآنجناب و اسماء مذکوره در کتاب آنجناب ارسال شد معلوم میشود که
این عبد لیلأ و نهارأ در تحریر مشغول لذا اگر گاهی در ارسال جواب تأخیر شود انشاءالله عفو خواهند فرمود

و عرض دیگر آنچه بآنحضرت رسیده از بابت حقوق الله از هر نفس و هر جا بواسطه سلطان الشّهداء حضرت اسم الله
حاء علیه منکّل بهاء ابهاه باینعبد فانی رسید نسأل الله بأن یوفّق الذّین عملوا بما امروا به فی الکتاب و ینزّل علیهم من سماء
فضله نعمة و رحمة و برکة من عنده انه هو العزیز الوهاب فی الحقیقه امر حقوق الهی امر بزرگی است بر جمیع ادای آن
لازم چه که اوست سبب نعمت و برکت و خیرات و ما یكون مع کلّ نفس فی کلّ عالم من عوالم ربّها الغنیّ الکریم

عرض دیگر چندی قبل یعنی چند شهر قبل جناب اسم الله حضرت جمال علیه منکّل بهاء ابهاه دستخطی باینعبد مرقوم
فرموده بودند جواب عرض شد ولیکن نظر بانقلابات اطراف ارسال نشد و همچنین چندی قبل باز هم جواب عرض
شد و ارسال نشد تا در این کره دستخط سیم ایشان رسید تلقاء عرش عرض شد مخصوص ایشان و نفوس مذکوره که

1. ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف "ب" و "ه" و "الف" است که مجموع آنها کلمه "بها" را تشکیل میدهد.



در کتاب ایشان بود آیات بدیعۀ منیعۀ نازل ولکن در این کرّہ ہم نظر بثقل پوستہ ارسال نشد انشاءاللہ از بعد ارسال میشود و آنحبيب بزیارت آن فائز میگردد و انشاءاللہ جواب عرایض لاوی ہم ارسال میشود در هر حال باید آنحبيب افق حکمت را ناظر باشند اکثری از نفوس عالم بمکر و حیلہ ظاہرند لذا باید حکمت را مراقبت نمود و در هر امری از امور باو ناظر بود مسئلہ تعالی بأن یؤید حضرتک کما یدک و یحفظک لخدمۃ امرہ بین خلقہ انہ لہوالمقتدر القدیر اگر مجال بود ہرآینہ از مدینہ خلوص ریاحینہای وداد و گلہای اتحاد و نعمات عندلیب محبت و تغرّات حمامہ مودّت و اطوار طیور معرفت و اوراق اشجار ذکر و حکمت و صدای خوش سدرہای مرتفعہ و آبہای خوش روحانی ارسال میشود ولکن از کثرت اشغال و تحریرات متواترہ بیش از این این خادم فانی مجال نیافت انشاءاللہ اگر حیات عنایت شود بتلاقی مافات پردازد از حقّ میطلبم لایزال این عبد را باثر کلک روحانی آنحبيب جانی مسرور دارد

دیگر چہ عرض نمایم از شعلہ نار محبت در حینیکہ ذکر جناب اخوی علیہ بہاء اللہ از قلم و یا لسان جاری میشود علم اللہ نار الشوق ظہرت و نور الخلوص قد بزغ در اینصورت قلم خود را عاجز مشاہدہ نماید ولکن نظر بآنکہ اظہار خلوص نزد دوستان حقیقی لدی المحبوب محبوبست لذا اینعبد فانی بصدہزار شوق و اشتیاق خدمت ایشان تکبیر مقدّس از شئونات عرضیہ معروض میدارد مسئلہ تعالی بأن تقرّ العیون بلقائہ انہ لہوالمحبیب البہاء علی حضرتک و علی کلّ مؤمن فاز بعرفان اللہ المہیمن القيوم

خادم

فی ۹ رمضان سنۃ ۱۲۹۶